

عوامل ارتباط وحدت و قرآن

محراب فاضل^۱

چکیده:

ارتباط در باره عوامل و عناصر تشکیل دهنده وحدت، یکی از مبرم‌ترین نیازهای جامعه اسلامی است که باید هم مفهوم از وحدت و هم مراد از عوامل و اهمیت و اهداف آن را در قرآن و روایات توضیح داد. بی‌گمان قرآن کریم در پیش از پنجاه آیه به مسئله وحدت و عواملی که فراهم آورنده اختلاف، پرداخته و راههای رسیدن به وحدت را نشان داده است. از این راه‌ها می‌توان به رفتار مسالمت آمیز با مخالفان، پرهیز از طرح مسائل اختلاف برانگیز و بی‌ثمر مذهبی، جلوگیری از تحریک احساسات و توهین به مقدسات، پرهیز از تکفیر صاحبان فرقه‌های اسلامی، رعایت حقوق اجتماعی، رعایت اصول اخلاقی، و تعامل علمی میان دانشمندان و فرهیختگان مسلمان اشاره کرد و تأثیر این عوامل را در تحقق وحدت نشان داد. چنانکه اگر این اصول از سوی هر یک از عالمان و صاحبان مذاهب رعایت شود، دشمنان اسلام و کسانی که آب به آسیاب آنها می‌ریزند دیگر نمی‌توانند جنگ و خون‌ریزی در میان مسلمانان راه بیندازد و این‌گونه جهان اسلام را پراکنده و دسته‌دسته مانند لشکر شکست خورده سازند تا جایی که جهان اسلام را تحقیر و به مقدسات و شخصیت پیامبر گرامی و قرآن توهین کنند و کشورهای مسلمان را در این گوشه و آن گوشه جهان اشغال و تصاحب کنند.

کلید واژه: ارتباط، وحدت، عوامل وحدت، اختلاف، نزاع، گفتگو، تعامل مذهبی.

^۱ دانش آموخته سطح چهار جامعه المصطفی العالمیه Mehrafbizel@gmail.com

۲- تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۶/۲۵ تاریخ تأیید ۱۴۰۴/۱۰/۱۲

مقدمه

وحدت اسلامی و ارتباط مذاهب، در شرایط کنونی از ضرورترین نیازهای جامعه اسلامی است جدایی ها و ظهور جریانهای آتشی که جهان اسلام را تهدید می کند. تقریب مذاهب اسلامی، پیش از دوره اخیر در نتیجه تلاش و پایداری مصلحان بزرگ و آرزومند وحدت اسلامی مطرح گردید. بی گمان اگر جدایی و تفرقه ای وجود نداشت و خطر تفرقه و نزاع و آتش تعصب های مذهبی نبود، و اگر ضرورتی عینی و سرنوشت ساز و سوء استفاده دشمنان نبود این عالمان آگاه و دلسوز موضوع تقریب را مطرح نمی کردند. درباره تقریب سخن های بسیار گفته شده، اما آنچه امروز طرح آن بایسته به نظر می رسد، طرح عوامل وحدت بخش، راهبردهایی که می تواند به وحدت و یکپارچگی جهان اسلام بینجامد و زمینه های تحریک، درگیری و جنگ های فرقه ای را خنثی کند. در قرآن مجید سخن از وحدت و مذمت اختلاف به میان آمده و خطرات آن بازگو شده است. با بررسی این آیات به خوبی عوامل وحدت بخش را می توان به دست آورد. زادگاه اختلاف از نظر قرآن در میان حاملان دین و از سوی برخی عالمان بسته اندیش است، آنان هستند که گاه به جای فروکاهش دادن اختلاف ها و نزدیک کردن افکار و اندیشه، زمینه های رویارویی را فراهم می سازند و با سطحی نگری، طرح موضوعات سست و بی پایه، برگزاری جلسات موهن، استناد به احادیث ضعیف، همواره هیثم اختلاف را انباشته می سازند و به تعبیر قرآن: «مَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى لَفُضِّبَ بَيْنَهُمْ» (شوری: ۱۴) با آگاهی به اختلاف دامن می زنند.

به همین دلیل کسانی مانند علامه طباطبایی اختلاف در میان فرقه های دینی را بر خلاف فطرت و برخاسته از روح تجاوزگری می داند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ۱۲۲). تشویق به وحدت و پرهیز از اختلاف در صورتی موثر است که عوامل اختلاف شناسایی شود و با راه حل های مثبت در جهت وحدت گام برداشته شود.

وحدت چیست؟

منظور از وحدت یکی کردن مذاهب، شیعی کردن سنیان و یا سنی کردن شیعیان نیست. منظور حصر مذاهب به یک مذهب و یا حتی گرفتن مشترکات مذاهب و طرد مفترقات آنها نیست. بلکه منظور از وحدت و یکپارچگی این است که با توجه به مشترکاتی که بین همه طوایف و فرقه های اسلامی وجود دارد و همگی اعتقاد به خداوند یگانه، پیامبر اسلام و کتاب الهی و قبله مشترک و اعتقاد به معاد و احکام اسلامی مثل نماز، روزه، حج و زکات دارند، با همدلی با یکدیگر همکاری کنند.

اختلاف در بعضی از اعتقادات و احکام و اختلاف منابع، که نتیجه طبیعی اجتهاد و تفکر آزاد است، نباید موجب جدایی و دوری قلب های مسلمانان از یکدیگر شود، بلکه باید همه فرقه های اسلامی با کمال شرح صدر و وسعت نظر عقاید و افکار یکدیگر را درک و تحمل نمایند و در عین حال که در صحنه کاوش و تحقیق و بحث و استدلال در فضای علمی تلاش می کنند، در عرصه زندگی اجتماعی و تعامل با توجه به مصالح تمام امت اسلامی با ارتباط دوستانه یکدیگر را درک و به عناصر مهم تشکیل دهنده وحدت توجه و در راه تحقق آن بکوشند.

بنابراین مراد از وحدت، برداشتن موانع مصنوعی و پیشگیری از اموری است که باعث جدایی، کینه و دشمنی میان مسلمانان می گردد. از یک طرف دست دشمنان اسلام بر آنان دراز و از طرف دیگر در درون خود گرفتار و از حرکت و پیشرفت و رفع فقر، و جهل و حل مشکلات جامعه بازمانده و به خود مشغول می گردند، عقل دینی و خرد جمعی می گوید، حفظ آرمان های اصلی مهم تر از نزاع های بخشی نگر است.

مؤلفه ها در ارتباط وحدت

مراد از این عنوان، عناصر ارتباطی است که تشکیل دهنده وحدت هستند. این عناصر، اموری هستند که یا به صورت ایجابی به تقریب و همکاری و تعامل علمی میان مسلمانان

می انجامد و یا به صورت سلبی باعث کاهش اختلافات می گردد و جدایی و کینه و متهم کردن یکدیگر را از بین می برد و موجب طرد هر نوع بدبینی و تعصب می شود، عناصر ارتباطی که وحدت بخش هستند و یا در رفع ضدیت بکار گرفته می شوند، از سوی کسانی آگاهانه یا نا آگاهانه نقض می شود و برخی از آنان را به گفتن و نوشتن سخنان نسنجیده، غیرمنطقی، غیرواقعی، غیر فراگیر، تند و زننده در ارتباط با یکدیگر وادار ساخته و فاصله میان مسلمین را بیشتر می کند.

طرح عوامل وحدت بخش و بررسی ضرورت بکارگیری آن در میان جوامع مسلمان، موجب می شود که به خودآگاهی واقع بینانه برسیم و اندیشه وحدت را نهادینه کنیم و صورت عملی ببخشیم و فرصت را از کسانی که آب به آسیاب دشمن می ریزند و زمینه گسترش اختلاف را فراهم می سازند، بگیریم، و دیگر نتوانند به روش گذشته خود ادامه دهند و در انزوا قرار گیرند.

اهمیت وحدت در قرآن:

۱ - بی گمان نخستین منادی وحدت و امت واحده شدن، قرآن کریم است که می فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء: ۹۱) این دین شما و این امت شماست، دین یگانه و من پروردگار شمایم، پس مرا بپرستید.

چنانکه در جایی دیگر: «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» (مومنون: ۵۲) با همین تعبیر آغاز می کند و می خواهد که با رعایت یکپارچگی فراگیر اسلامی پروا داشته باشند و کاری نکنند که این یگانگی دچار خلل شود و از آنجا که همه مومنان را یک امت و در یک جهت و با یک هدف خواسته که در آن پرستش خدایی یگانه است، باید مسلمانان آگاه، به اهمیت این شعار قرآنی (امت واحد) پی ببرند و عظمت آن را درک کنند و تفرقه ها را از میان بردارند و نابود سازند و هر گونه حرکتی که به دوگانگی و تفرقه مسلمانان بینجامد حرکتی خواسته دشمنان و بر خلاف دعوت قرآن است در این دعوت، وحدت به مذهب خاصی محدود نشده و معیار امت واحد، اعتقاد به وحدانیت الهی دانسته شده است. از سوی دیگر

وحدت امت در ردیف توحید قرار گرفته و پرستش خدا متوقف بر این یگانگی شده است. وحدت، موعظه و یک پیشنهاد نیست، وظیفه است، یعنی همانگونه که موظفند براساس توحید، خدا را عبادت کنند، وظیفه دارند در تحصیل وحدت بکوشند. وحدت بر اساس این آیه حقیقت واحدی است که به همه مسلمانان خطاب شده و خواسته شده و آنان به هر نسبت که توان بیشتری از نظر علم، سیاست و اقتصاد دارند، در جهت انجام آن، وظیفه بیشتری دارند . ۲- در قرآن کریم آمده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات: ۱۰) در حقیقت مومنان با هم برادرند، پس میان برادران نتان سازش دهید و از خدا پروا بدارید. قرآن در این حصر با «انما» تاکید می کند که مومنان برادر یکدیگر هستند و هیچ حیثیتی جز برادری با هم ندارند و مکلفند که مثل برادر با هم رفتار کنند (همدانی، ۱۳۷۴، ۴۷۰).

ممکن است مومنان گاه در اثر سوء تفاهمات و یا منافع مادی و برخی اغراض سیاسی دچار بی تفاوتی و احیاناً دشمنی شوند، اما قرآن با جمله خبری یادآور می شود که آنان برادر هستند و روشن است منظور از این برادری، که برادری نژادی نیست، بلکه برادری دینی و ایمانی است که تکلیف می آورد. بنا بر این آیه مزبور امر می کند که مومنان با هم برادری و محبت کنند و اگر از هم دور شده خود را بهم نزدیک سازند و اختلاف و نزاع پیشه نکنند و اگر چنین اتفاقی افتاد، کسانی راه صلح و سازش پیشه کنند و از خدا پروا دارند.

۳ - در بیشتر مواردی که در قرآن مجید از برادری و وحدت سخن گفته و به مذمت اختلاف پرداخته و افزون بر دستور بر اخوت و برادری و دعوت به تعاون بر نیکی و تقوی، اتحاد و همدلی را از نعمت هایی می داند که به واسطه پذیرش اسلام در رسالت به جامعه اسلامی در عصر پیامبر هدیه شده و گویی می خواهد که این نعمت پاسداری شود و با تاکید و سفارش بر وحدت ایمانی و اجتماعی، مسلمانان به اختلاف های گوناگون توجه نکنند. عبارت هایی همچون و اعتصموا، اصلحوا، رابطوا، تعاونوا، در جهت تشویق به وحدت آمده است، یا حتی دستورهای اخلاقی اجتماعی مانند حرمت غیبت، سوء ظن و افشاگری در

جهت پیشگیری از اختلاف آمده است. به عنوان نمونه در جایی که می‌گوید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَحَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَ يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (حجرات: ۱۱) دشنام دادن و ریشخند گرفتن و سرزنش کردن از عوامل جدایی میان مسلمانان می‌گردد و یا دیگران را با نام‌های زشت و القاب ناپسند یادکردن: «وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ» (حجرات: ۱۰) را ممنوع ساخته است.

به همین دلیل رفع اختلاف و حفظ وحدت در جامعه اسلامی اهمیت بسیار پیدا می‌کند و هر حرکت اختلاف بر انگیز، کینه آور و تحریک کننده احساسات ممنوع می‌گردد: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال: ۴۶) و هرگز راه اختلاف و تنازع نبوید که قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد. و نیز می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (آل عمران: ۱۰۳) و همگی به رشته دین خدا چنگ زده و به راه‌های متفرق نروید و بیاد آورید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید و خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف خداوند همه برادر دینی یکدیگر شوید.

همچنین آیات دیگری که به تجربه امت‌های پیشین اشاره می‌کند و می‌گوید از اختلاف و تفرقه آنان عبرت بگیرید و دیگر شما مانند آنان اختلاف نکنید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اِخْتَلَفُوا» (آل عمران: ۱۰۵)

و یا می‌گوید: دسته بندی دینی درست می‌کنند و هر کسی به هر دسته و گروه و حزب خود خوشحال می‌گردد. «مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» (روم: ۳۲)

در قرآن کریم بیش از پنجاه آیه در رابطه با موضوع اختلاف وحدت و روش‌های پیشگیری و راه‌های به دست آوردن اتحاد اشاره می‌کند که همگی نشان می‌دهد، این موضوع از نظر قرآن دارای چه اهمیتی است.

اهداف وحدت:

چنانچه گفتیم وحدت اسلامی هدفی است که قرآن بر آن تاکید دارد و هر مسلمانی باید در پی تحقق آن باشد. اکنون در پی آن هستیم تا روشن کنیم که این هدف دارای چه مقاصدی است و اگر در گذشته از یکدیگر متفرق و پراکنده بودیم، اینک بر اساس آرمان هایی در صدد تدارک و جبران مافات برآییم و در سایه قرآن واحد و قبله واحد مجتمع شویم، به همین دلیل می توان اهداف وحدت بخشی را در مسائل زیر خلاصه کرد:

۱ - نخستین هدف برای وحدت بخشی، کاستن تنش ها، اختلافات و از بین بردن کینه ها و پیشگیری از جنگ ها و کشتارهای مذهبی است. این هدف بامشخص کردن مبرم ترین مسائل دینی و تعیین اولویت ها میسر می گردد.

۲ - جلوگیری از گسترش جریان های افراطی مذهبی، تشدید تعصب های کور و غیر منطقی که معمولاً در سایه اختلافات مذهبی شکل می گیرد و هرچه این اختلاف ها افزوده می شود.

زمینه رواج غلو، خرافات، افزون می شود. به جای تعمق در دین و معنویت، حرکات ظاهری و شعاری افزایش پیدا می کند و سطح دین از عمق به لایه های رو بنایی و سطحی تنزل پیدا می کند، مراسم و رفتارهای ظاهرگرایانه فراوان می شود اما از حقیقت دین هیچ خبری نیست، در صورتی که آگاهی از اهمیت وحدت و رویکرد به آن، دین منطقی و مستدل و با پشتوانه اعتقاد آگاهانه را فراهم می سازد.

۳ - حفظ هویت اسلامی در جهان با وحدت بخشی به جهان اسلام شکل می گیرد، حتی هویت شیعی با وحدت بیشتر می گردد، به ویژه اگر این هویت همراه با عمران و آبادانی و توسعه اقتصادی و سیاسی و سماحت همراه باشد.

۴ - تقویت بنیه جامعه اسلامی. عزت و شکوه صدر اسلام هنگامی باز می گردد که مسلمانان در یک صف قرار گیرند و امکانات و ثروت و قدرت و شکوه آنان رونقی برای اخلاق و معنویت شود.

۵- جلوگیری از تشویش افکار غیر مسلمانان و پیشگیری از گریز از دین در جامعه اسلامی. زیرا هرگاه نزاع های فرقه ای و مذهبی اوج بگیرد، در داخل جوامع مسلمان سر خوردگی، تنفر و گریز از دین شکل می گیرد، و اسلام به عنوان دین خشونت معرفی می گردد و طرفداران جنگ تمدن ها و آنانی که از جنگ های صلیبی سخن می گویند بر آمد جنگ های مذهبی را ریشه در آموزه های دینی اسلام معرفی می نمایند.

اگر مسلمانان در فلسطین و در جاهای دیگر به حق از خود دفاع می کنند، به حساب خشونت طلبی اسلام جا می زنند. این است که روشن کردن اهداف وحدت و نشان دادن عوامل موثر بخش، این فایده را خواهد داشت که روشن کند منظور از وحدت استحاله و از بین بردن مذهبی به نفع مذهبی دیگر نیست، نزاع و اختلاف نکردن وسعه صدر و تحمل دیگران داشتن و کاستن تنش ها و تکفیرها و ایجاد دوستی و محبت در میان ملل اسلامی است.

عوامل وحدت در قرآن کریم

در قرآن کریم، آیات بسیاری مسلمانان را به اختلاف افکار دسته ها، گروه ها، ملت ها و طبایع بشری توجه می دهد و این گونه از چندگانگی را به عنوان یک سنت الهی می شناسد. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» (حجرات: ۱۳) ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید.

و یا در جایی دیگر می فرماید: «وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا» (نوح: ۱۴) شما را به گونه های مختلف آفرید. این تنوع گونه ها، هم به لحاظ ذهنی و فکری و استعداد و فهم، و هم به لحاظ شرایط اجتماعی و فرهنگی و موقعیت زندگی و گرایش های عقیدتی می تواند باشد، و نیز این از مشیت الهی است که انسان ها از جهت هوش، ذکاوت، شجاعت، آرمان خواهی و روحیات علمی و اقتصادی متفاوت باشند: «وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ» (انعام/۱۶۵) برخی را بر برخی دیگر بالاتر از دیگری گردانیدیم تا شما را در این تفاوت مراتب و درجات بیازمایم.

از سوی دیگر، این اختلاف، گاه در طبقه پیامبران شکل گرفته و قرآن به تفاوت درجات آنان اذعان کرده است: «تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» (بقره: ۲۵۳) برخی از رسولان را بر بعضی دیگر فضیلت و برتری دادیم، و این برتری با انتخاب خداوند و بر اساس حکمتی بوده است. «وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ» (اسرا: ۵۵)؛ بی گمان برخی از پیامبران را بر برخی دیگر برتری دادیم.

و این برتری در مقام رسالت، شریعت و بیان معارف تاثیر گذار در جامعه و عقاید و بینش آنان می گردد و همین زمینه چند فکری را فراهم می سازد، چنانکه در برابر، جامعه هر چه بخواهد یکدست شود، باز به طور کلی ممکن نیست و اقوامی خواه ناخواه جنگ و اختلاف را دارند. تایید این مطلب با این بیان قرآن است که می فرماید: «وَالَّذِينَ بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (مائده: ۶۳) خداوند بین یهود تا روز قیامت عداوت و دشمنی را قرار داده است، در حالی که اگر مسلمانان به دستورات الهی عمل کنند و از نزاع و جنگ پرهیزند سیادت و آقایی خواهند داشت: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۹) ترس و حزن به دل راه ندهید، شما اگر مومن باشید برتر خواهید بود. بنابراین، نفس چندگانگی و چند مذهبی گریز ناپذیر است. در مقام قضاوت نیستیم که بگوییم این مذهب خوب است یا آن مذهب و این هم ممکن نیست که گفته شود همه مذاهب یکی شوند، چون این هم عملی نیست و از قرآن استفاده می شود که همواره اختلاف مذهبی وجود دارد: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ» (هود: ۱۱۳) اگر پروردگار تو خواسته بود همه مردم را یک امت قرار می داد، ولی همواره در اختلاف خواهند بود. پس باید کاری کرد که این اختلاف به تشتت، نزاع، درگیری، کینه و کشتار نیجامد و اختلاف سلیقه ها، برداشت ها، موجب آثار عملی تنش زان نشود و مهم تر خود را از امت واحد جدا ندانند، چون خداوند با همه این احوال فرموده است: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً» (انبیاء: ۹۲)؛ این دین شما و این امت شما یگانه است.

مسیرهای ارتباطی وحدت از دیدگاه قرآن کریم:

با توجه به آیات فوق روشن می‌شود که چگونه باید به سراغ وحدت بخشی رفت و عوامل توجه به وحدت را شناخت. زیرا شناخت عوامل، به شناخت راه کارها می‌انجامد و هر مذهب و گروهی می‌داند که با واقعیتی به نام اختلاف مذاهب رو برو است و اگر بخواهد به تعالیم قرآن عمل کند، به دنبال یکی کردن نمی‌رود و به ریسمان الهی چنگ می‌زند، چون چاره‌ای ندارد که این اختلاف را از راه دیگری چاره کند، چاره‌ای که عملی و مثمر ثمر باشد و با تحفظ مذهب خود، زمینه تشتت و نزاع را بر طرف کند. بنابراین راهکارهای ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱ - ارتباط مسالمت آمیز با پیروان مذاهب مخالف:

یکی از راه‌های وحدت بخش، ارتباط و احترام متقابل پیروان مذاهب مختلف با یکدیگر است. زیرا هر چند اختلافات مذهبی عمیق باشد، اما این اختلافات نباید آثار عملی خشونت باری بین مسلمانان در پی داشته باشد و حساب اختلاف عقیدتی با حساب رفتار و حقوق اجتماعی مخالفان کاملاً جدا است و اختلاف در مذهب به تنهایی تاثیری در حقوق اجتماعی مسلمانان ندارد.

۲ - پرهیز از طرح پیام‌های اختلاف برانگیز:

دیگر از عوامل وحدت بخش در جامعه اسلامی، پرهیز از طرح مسائل بی‌ثمر مذهبی و درگیر کردن جامعه به موضوعاتی است که نه تنها هویت دینی جامعه را تقویت نمی‌کند و به معنویت و اخلاق اسلامی مدد نمی‌رساند، بلکه موجب ایجاد افزایش تنش، اختلاف در میان فرقه‌های مذهبی می‌گردد. معمولاً بسیاری از مسائل سطحی دینی که گاه شکل شعار به خود می‌گیرد و در تقویت معنویت و تعمق دین تاثیر ندارد، از سوی کسانی طرح می‌شود و فضای آرام جامعه به موضوعاتی درگیر می‌شود که نه در جهت تقویت فرهنگ اهل بیت (ع) است و نه در جهت رونق سنت نبوی. چنانچه در روایتی آمده است: «لاتخاصموا الناس فان الناس لو استطاعوا ان يحبونا لأحبونا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۳۲) با مردم (و مخالفان عقیدتی خود) مخاصمه نکنید، زیرا مردم اگر توان آن، داشته که ما را دوست بدانند، دوست خواهند

داشت.

چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: ۱۲۵) با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن با آنان به شیوه‌ای که نیکو تر باشد مجادله نما.

۳- جلوگیری از تحریک احساسات و توهین به مقدسات:

بی‌گمان یکی از عوامل وحدت بخش، بلکه از مهمترین آن احترام به مقدسات صاحبان مذاهب و مواظبت بر رعایت ادب در گفتار در ذکر نام آنها است. این اصل عقلایی است که آنچه را بر خود نمی‌پسندی بر دیگران مپسند. اگر ما نمی‌خواهیم به بزرگان، علما و دانشمندان ما بی‌ادبی شود، دیگران نیز چنین خواسته‌ای دارند. قرآن کریم این اصل را حتی در باره بت پرستان و کسانی که به جز خدا را می‌پرستند مطرح می‌کند: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام: ۱۰۸) و آنهایی را که جز خدا را می‌خوانند، دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی و به نادانی خدا را دشنام خواهند داد.

۴ - پرهیز از ارسال پیام تکفیری

یکی از عوامل وحدت بخش در راستای ایجاد فضای سالم ایمانی و دینی و فرو کاهش دادن اختلافات و کاستی از تنش‌ها، پرهیز از تکفیر کردن است. متأسفانه یکی از بیماریهای جوامع مذهبی رواج تکفیر مخالفان فکری و عقیدتی است. این مذهب آن مذهب را تکفیر می‌کند و آن یکی این یکی را. این مذهب خود را برحق و دیگری را برباطل می‌شمارد و بر عکس. تا جایی که در میان پیروان مذاهب فضای سخت و شکننده‌ای ایجاد می‌شود که تحمل یکدیگر را ندارند و دست کم بدبینی و کینه در جامعه مسلمین ایجاد شده تا جایی که با ادیان دیگر تعامل می‌کنند و اما با معتقدان مذاهب اسلامی حاضر به همکاری نیستند. خدای آنها یکی است، قبله آنها یکی است، اما یکدیگر را به کفر نسبت می‌دهند.

بیماری تکفیر عموماً در محیط‌های رشد نیافته از آنجا شکل می‌گیرد که فرد تصور

می‌کند چون نظرات او درست است، پس دیگری بر باطل و گمراه و قابل تکفیر است. البته طبیعی است که هر فردی نظرات خود را حق و صحیح بداند، اما باید احتمال بدهد که دیگری درباره عقیده او چنین فکر نمی‌کند و با مقدماتی که در زندگی و محیط دینی تربیت یافته، به نتایج فکر او نرسیده و بسا با مستندات و براهین دیگری به نتیجه ای مخالف آنچه او عقیده دارد، واصل شده و لذا در پیشگاه خداوند عناد و لجاجی نکرده و به اصطلاح قرآنی برحق سرپوشی (کفر) نگذاشته و معذوراست و اگر قرار باشد، هر کس چنین انجام دهد، هر مذهبی مذهب دیگر را تکفیر کند. همه پیروان مذهبی توسط پیروان مذهب دیگر کافر شده اند و این روش موجب درگیری، دو دستگی و رواج تعصب کور کورانه و حب و بغضهای غیر منطقی و دسته بندی های کاذب و احیاناً نسبتهای خلاف واقع خواهد شد و به رواج کینه، جنگ و برادر کشی خواهد انجامید و به نفع هیچ مذهبی نیست که با این روش با مخالفان خود برخورد کند. به هر حال در قرآن کریم این روش مذمت شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا» (نساء: ۹۴) ای کسانی که ایمان آورده اید، چون در راه خدا زمین را طی می‌کنید، واریسی کنید و به کسی که نزد شما اظهار اسلام می‌کند نگویید تو مؤمن نیستی.

۵- رعایت حقوق انسانی اسلامی در ارتباطات اجتماعی:

یکی دیگر از عوامل موثر در وحدت بخشی جوامع مسلمانان، توجه به حقوق متقابل صاحبان مذاهب و اقلیت های مذهبی است. مراد از این رعایت حقوق اجتماعی و سیاسی، فرصت و امکان مساوی برای انجام مراسم و اعمال عبادی متناسب با دیدگاههای مذهبی آنان در یک کشور از سوی دولتهای اسلامی است. لازمه به رسمیت شناختن اختلاف و تنوع افکار، طبایع و سلايق بشری که در آغاز این نوشته به آن اشاره گردید و توضیح داده شد که این گوناگونی اندیشه ها و عقاید طبیعی است پذیرش اصل رعایت حقوق متقابل یکدیگر است و گر نه آن و حدت طلبی که قرآن به آن دعوت می‌کند، عملاً تحقق نخواهد پذیرفت.

۶ - ارتباط علمی میان فرهیختگان مسلمان:

یکی از راههای تقریب، سنت حسنه گفتگو است. بخشی از اختلاف ها در اثر فاصله و نفهمیدن حرف یکدیگر است. گفت وگو رویدادی در ساحت شناخت دیدگاهها و نقطه نظرات یکدیگر است. پیش فرض گفتگو آن است که طرفین گفتگو می پذیرند. مطالبی از یکدیگر هست که نمی دانند و شاید خطا کنند و با گفتگو نقطه نظرات را به یکدیگر نزدیک سازند.

اگر بنا باشد که هر گروه با قصد هدایت دیگری به گفتگو بپردازد، فضای مناسب برای تعامل و گفتگو فراهم نشده است. قرآن کریم خود کتاب گفتگوهاست، گفتگوهایی که میان خدا و پیامبر انجام گرفته، یا پیامبران با امت خود و یا مخالفان و معاندان سخنانی ردو بدل شده است. قرآن هر چند در جایی به روحیه انسان اشاره می کند: «وَ كَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا» (کهف: ۵۴) و انسان بیش از هر چیز سر جدال دارد. قرآن صفت جدل را از صفات طبیعی انسان می داند که همین باعث رشد و شکوفایی او می گردد، اما برای استفاده مثبت از این روحیه معیارهایی ذکر می کند و به پیامبر دستور می دهد در دعوت به خدا از روش مجادله احسن استفاده کن: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: ۱۲۵) با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به شیوه ای که نیکوتر است مجادله نما.

نتیجه گیری:

بنا بر این وحدت بخشی، بدون توجه به راه حل ها و روش هایی که در قرآن بیان کرده امکان پذیر نیست و این روش ها باید جنبه عمل به خود بگیرند. با تکفیر کردن دیگران و مذاهب دیگر نمی توان وحدت را در جامعه اسلامی نهاده کرد فقط انتخاب مسیر گفتگوی های اسلامی، برادرانه و دو ستانه راه های وحدت عملی را برای مسلمانان تسهیل می نماید رعایت حقوق اجتماعی در ارتباطات امروزی و جامعه اسلامی نقش اساسی را برای وحدت میان مسلمانان ایفا می کند در واقع نیازی امروزی جامعه مسلمانان زمینه ها و گزینه های است که بتوانم وحدت عملی و واقعی را در ارتباطات انسانی به وجود بیاوریم.

فهرست منابع:

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه
- (۱) طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ط ۲، ۱۳۹۳ ق.
 - (۲) موسوی همدانی، سید محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
 - (۳) کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، بیروت، دار الصعب، تحقیق علی اکبر غفاری، ط ۴، ۱۴۰۱ ق.
 - (۴) مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دارالوفاء، ط ۲، ۱۴۰۳ ق.
 - (۵) محمدغافر حکیم، وحدت اسالمی از دیدگاه قرآن و سنت، نشر: تبیان، تهران: ۱۳۷۷
 - (۶) ناصر مکالم شیرازی و همکاران، نمونه، نشر: دارالکتب اسالمیه، تهران: ۱
 - (۷) خلیل بن احمد فراهیدی، ترتیب العین، تصحیح موسسه نشر اسلامی انتشارات نشر اسلامی، سال چاپ ۱۴۱۴ هـ، نوبت چاپ: اول، ص ۱۴۲.
 - علامه حلی، باب حادی عشر، الجامع فی ترجمه النافع، مترجم: حاج میرزا محمدعلی حسین شهرستانی، ناشر: دفتر نشر معارف اسلامی، سال چاپ: ۱۳۷۶ پائیز، چاپخانه رستم خانی، ص ۱۱۶.
 - (۸) نصرت الله جمالی، عوامل سقوط حکومت‌ها در قرآن و نهج البلاغه - ناشر: نهاوندی، محل نشر: قم، سال چاپ ۱۳۷۸، ص ۱۴۳-۱۴۲.
 - (۹) زبیدی، محمد مرتضی بن محمد الحسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: عبدالمنعم خلیل ابراهیم و کریم سید محمد محمود، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۲۰۰۷ م.
 - (۱۰) ستوده، غلامرضا، در شناخت اقبال (مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت علامه اقبال)، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۶۵ ش ۲۷.
 - (۱۱) . سلطانی فرد، محمدحسین، ریشه‌ها و تاریخچه اصول گرای در مصر، تهران، وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
 - (۱۲) . سید رضی، نهج البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۳۹۵ ق.

۱۳. سید علوی، سید مصطفی، قرآن در آئینه بزرگان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.

۱۴. سید قطب، فی ظلال القرآن، ترجمه مصطفی خرم دل، تهران، احسان، چاپ دوم،

۱۳۸۷ ش.

۱۵. ما چه می‌گوییم، ترجمه سید هادی خسروشاهی، قم، دین و دانش، چاپ چهارم، ۱۳۵۰ ش